

گفت‌وگوی «جوان» با زهرا امیری، مدرس تاریخ در حوزه علمیه

روایتگری از مقاومت زنان سپری برای مقابله با هجمه دشمنان و تقویت تاب‌آوری ملی است

■ محبوبه قربانی

در روز زن، وقتی از جایگاه و نقش زنان ایرانی حرف می‌زنیم، فقط از محبت مادری یا مسئولیت‌های خانوادگی سخن نمی‌گوییم، حرف از ستون‌هایی زده می‌شود که در سخت‌ترین بحران‌های تاریخ کنار مردان و مردم استوار ماندند تا خانه و جامعه برقرار باشد، زنانی که در لحظه‌های حساس از نهضت‌های ملی تا روزهای جنگ و حتی جنگ ۱۲روزه و بحران‌های اجتماعی امروز با صبر، مدیریت احساسات، قدرت کلام و حتی جریان مقاومت را حفظ کردند و امید را در دل خانواده‌ها زنده نگه داشتند. همین حضور آگاهانه و نقش‌آفرینی بی‌ادعاست که تبدیل به سبیری مؤثر در برابر هجمه دشمنان و سرمایه‌ای بزرگ برای تاب‌آوری ملی شده و می‌شود. زهرا امیری، مدرس تاریخ در حوزه علمیه و معلم جامعه‌شناس می‌گوید: «وقتی زنان با توانایی‌های زنان و مهارت در مدیریت احساسات وارد عرصه می‌شوند، می‌توانند پخش مهمی از بحران‌ها را کنترل کنند. امروز که دشمنان این سرزمین برای تضعیف قدرت کشور از هر راه و نیرنگی استفاده می‌کنند، طبیعی است که به نقش و تأثیرگذاری زنان هم توجه ویژه داشته باشند و بخواهند از این ظرفیت بهره ببرند. به همین دلیل لازم است ما نیز از تجربه زنان در حوزه امنیت ملی بیشتر استفاده کنیم و این تجربه‌های ارزشمند را با روایتگری به روز و قابل فهم، به عنوان الگو به نسل جوان منتقل کنیم.»
متن زیر حاصل گفت‌وگوی «جوان» با این کارشناس است که می‌خوانید.

■ ■ ■

نقش زنان در مدیریت بحران‌های ملی در تاریخ معاصر ایران چگونه شکل گرفت و چه ویژگی‌هایی این نقش را متمایز می‌کند؟

برای فهم نقش زنان در بحران‌های ملی، باید به این نکته توجه کرد «بحران ملی» به خداداده‌ای ناگهانی طبیعی یا انسانی گفته می‌شود که به جامعه آسیب می‌زند و نیازمند اقدام فوری است. تاریخ معاصر ایران را باید از دوره قرارداد تالیوت و جنبش توتون و تنباکو بررسی کرد، دوره‌ای که نشان داد، علما و روحانیت شیعه نخستین گروه‌هایی بودند که مردم را بیدار کردند و برای دفاع از منافع ملی به میدان آوردند، در حالی که روشنفکران غربگرا چنین نقشی نداشتند. در آن دوران، بسیاری از بحران‌ها به دلیل غفلت و خودکامگی شاهان و همچنین خدالت و طمع قدرت‌های استعماری مانند انگلستان و روسیه بر جامعه تحمیل می‌شد. چون رسانه‌های مدرن وجود نداشت، مجالس مذهبی مهم‌ترین بستر آگاهی‌بخشی و سازماندهی مردم بود و زنان، به دلیل پیوند عمیق با این مجالس و مرجعیت شیعه، وارد صحنه مبارزه شدند.

از نهضت تنباکو به بعد، شکل‌های مختلف حضور و مقاومت زنان آشکار شد، چه در دربار و چه در جامعه. زنان در جنبش‌های ملی، به‌ویژه در مشروطه، حضور فعالی داشتند و همراه با پدنه مذهبی جامعه خواستار محدود شدن قدرت شاه بر اساس قانون و شرع و مقابله با نفوذ قدرت‌های خارجی بودند. شبکه مذهبی زنان توانست بار دیگر در حمایت از تصمیم‌های بزرگ ملی مانند مخالفت با استقرارش خارجی و تأسیس بانک ملی نقش مهمی در بسیج مردم ایفا کنند.

در کشوری که شاه حتی هزینه‌های شخصی خود را نمی‌توانست از منابع داخلی تأمین کند، تأسیس یک بانک ملی چگونه ممکن شد؟
زنان نقش حامی و پشتیبان مالی ایفا کردند. آنان با اهدای طلا و جواهرات خود بنیان اولیه بانک ملی را شکل دادند و با این کار، در مدیریت بحرانی که ریشه در وابستگی مالی حکومت داشت، نقش‌آفرینی کردند. بنابراین نقش زنان در تاریخ معاصر از همان دوران بیداری قاجار آغاز شد. این نقش در ارتباط مستقیم با مرجعیت شیعه و روحانیت شکل گرفت و تا دوران پس از انقلاب اسلامی ادامه یافته است، دوره‌ای که این پیوند در قالب «ولایت‌فقیه» استمرار یافته و همچنان یکی از مهم‌ترین زمینه‌های کنش اجتماعی و ملی زنان محسوب می‌شود.

چه ویژگی‌هایی باعث شد، زنان در انواع بحران‌ها نقشش متمایز و گاه تعیین‌کننده‌ای داشته باشند؟

ابتدا باید گفت، نقش زنان در مبارزه، متمایز از مردان است و از جنس ویژگی‌های زنانه مانند قدرت کلام، مدیریت عاطفی و توان هدایت جمعی شکل می‌گیرد، نه تقلید از نقش مردانه. نمونه بارز آن حضرت زینب(س) در واقعه عاشورا است. او با حمایت از امام سجّاد(ع)، رسیدگی به کودکان و زنان کاروان و حفظ

انسجام گروه، نقش حیاتی و زنانه‌ای ایفا کرد. مهم‌تر از همه، حضرت زینب(س) با «شمشیر کلام» و جهاد تبیین، نبردی فرهنگی و اجتماعی را پیش برد و توانست اثرگذاری عمیقی داشته باشد. این تأثیرگذاری ناشی از قدرت کلام، ظرافت، مدیریت احساسات و هدایت جمعی بود. بنابراین وقتی زنان با ویژگی‌های زنانه خود وارد میدان می‌شوند، قدرت و مدیریتی ارائه می‌کنند که خاص زنان و در بحران‌ها بسیار تعیین‌کننده است.

زنان در دوران دفاع مقدس همزمان می‌توانستند هم خانواده را اداره کنند و هم پشتیبان رزمنده‌گان باشند. این ویژگی‌ها چگونه در آنها شکل گرفت و عامل اصلی تاب‌آوری آنها چه بود؟

زنان در دوران دفاع مقدس با تکیه بر ایمان، مهارت‌های اقتصادی و نقش‌های تربیتی هم مدیریت خانواده در غیاب مردان را داشتند و هم پشتیبانی و حضور مستقیم در جنگ. آنها سرمایه بحران بودند، به جبهه، بار اقتصادی خانواده را بر دوش می‌گرفتند و همزمان نسل مقاومی تربیت می‌کردند، آنان نقش‌های پشتیبانی، امدادی و تدارکاتی مانند تهیه غذا، شستن لباس رزمنده‌گان و جمع‌آوری کمک‌های مردمی را بر عهده داشتند و در برخی مناطق مانند خرمشهر حتی در خط‌مقدم دفاع شهری حاضر شدند.

عامل اصلی تاب‌آوری زنان، ایمان عمیق دینی و الگوگیری از شخصیت‌هایی مانند حضرت فاطمه(س) و حضرت زینب(س) بود. علاوه بر این، عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مانند جهاد سازندگی، نظام کوپنی، کار جمعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد به مسئولان، حضور ساده‌زیست فرماندهان، بسیج و شبکه‌های مذهبی نقش مهمی در تقویت تاب‌آوری ایفا کردند. مساجد و حرم‌ها نیز پناهگاه معنوی مردم بودند و رهبری امام‌خمینی(ره) با ارتباط صمیمی و ساده‌بستگی‌اش روحیه جامعه را تقویت کرد. این تجربه زنانه الگویی ارزشمند برای مدیریت بحران‌های امروز فراهم می‌کند.

از مادران و همسران شهدا بگویید. آنها‌یی که رنج را به معنای اجتماعی تبدیل کردند و هیجانات شدید دوران جنگ را مدیریت این الگوها چگونه قابل کاربرد است؟

برای پاسخ به این سؤال باید سه بخش را در نظر گرفت، مدیریت هیجانات، تصمیم‌گیری و تبدیل رنج به کنش اجتماعی. تجربه مادران شهدا و خانواده‌های ایثار گران نشان می‌دهد، تاب‌آوری در شرایط سخت با مدیریت هیجانات آغاز می‌شود. آنها واقعیت جنگ و دوری همسران خود را پذیرفتند و فهمیدند این جنگ بخشی از مسیر تاریخ است. پذیرش واقعیت اولین گام مدیریت هیجانات بود، زیرا کسی که مدام می‌پرسد «چرا من؟ چرا این زمان؟ چرا این کشور؟» انرژی خود را صرف مقابله با چیزی می‌کند که تغییرپذیر نیست. این زنان احساسات خود را انکار نکردند و اجازه ندادند، اضطراب و غم بر زندگی خانواده غلبه کند و با این کار ستون عاطفی خانواده را حفظ کردند. آنها دو نوع خودآگاهی داشتند، خودآگاهی فردی برای شناخت احساسات و تأثیر آن بر رفتار و خودآگاهی تاریخی و معنوی که نشان

“

تاب‌آوری زنان ایرانی بر پایه فرهنگ، دین و تاریخ شکل گرفته و الگوهایی مانند حضرت فاطمه(س) و حضرت زینب(س) و مسیر صبر و مقاومت را روشن کرده‌اند. زنان امروز در کنار این پشتوانه فرهنگی با چالش‌های زندگی مدرن نیز روبه‌رو هستند و لازم است میان سنت و مدرنیته تعادل برقرار شود. در یک الگوی بومی تاب‌آوری، شناخت ارزش‌ها و چالش‌های زمانه، تقویت انگیزه و صبر آگاهانه و تبدیل این بینش و گرایش به رفتار عملی، سه رکن پیوسته‌ای هستند که می‌توانند مبنای آموزش و برنامه‌ریزی برای ارتقای تاب‌آوری زنان قرار گیرند



می‌داد، درچه شرایط و آرمان‌هایی ایستاده‌اند. جامعه‌های دینی نیز به مدیریت هیجانات و انگیزه خدمت کمک می‌کرد. آنها می‌دانستند دفاع از مظلوم و حفظ کشور وظیفه‌ای الهی است. شناخت الگوهای مقاوم مانند حضرت زینب(س) و حضرت فاطمه(س) نیز امید و توان عبور از بحران را به آنان می‌داد. این تاب‌آوری در نهایت منجر به تبدیل رنج فردی به کنش اجتماعی شد. درد دوری از همسر یا فرزند معنا پیدا می‌کرد و زبان آن را صرف یاری مظلومان، کمک به خانواده‌های نیازمند و دفاع از کشور می‌کردند. این معنا دادن به رنج، آن را از تجربه‌ای شخصی به حرکت اجتماعی مؤثر تبدیل می‌کرد. همانطور که در قرآن آمده است: «فاعتبروا یا اولی‌البصار»؛ یعنی از تجربه‌ها عبرت بگیرید.

این تجربه هنوز هم کاربرد دارد، چه در مواجهه با بحران‌های امروز، مانند جنگ ۱۲ روزه و چه در آثار فرهنگی که مدیریت رنج و تاب‌آوری را نشان می‌دهند، مانند فیلم «ویلایی‌ها». به طور کلی، این تجربه شامل پذیرش واقعیت، خودآگاهی، معنا دادن به رنج، الگوگیری و تبدیل درد به کنش اجتماعی است و می‌تواند چراغ راه در شرایط سخت باشد.

این تاب‌آوری برای خانواده‌های مدافعان حرم متفاوت است. از تفاوت‌های این تاب‌آوری بگویید. تاب‌آوری‌هایی که باید همزمان با ایفای نقش آگاهی بخشی و جهاد تبیین باشد.

تفاوت تاب‌آوری زنان در دوران دفاع از حرم با دوران دفاع مقدس را می‌توان از چند منظر بررسی کرد. در دوران دفاع مقدس، جامعه ایرانی جامعه‌ای جمع‌گرا، اهل کار گروهی و با سطح رفاهی



می‌داد، درچه شرایط و آرمان‌هایی ایستاده‌اند. جامعه‌های دینی نیز به مدیریت هیجانات و انگیزه خدمت کمک می‌کرد. آنها می‌دانستند دفاع از مظلوم و حفظ کشور وظیفه‌ای الهی است. شناخت الگوهای مقاوم مانند حضرت زینب(س) و حضرت فاطمه(س) نیز امید و توان عبور از بحران را به آنان می‌داد.

این تاب‌آوری در نهایت منجر به تبدیل رنج فردی به کنش اجتماعی شد. درد دوری از همسر یا فرزند معنا پیدا می‌کرد و زبان آن را صرف یاری مظلومان، کمک به خانواده‌های نیازمند و دفاع از کشور می‌کردند. این معنا دادن به رنج، آن را از تجربه‌ای شخصی به حرکت اجتماعی مؤثر تبدیل می‌کرد. همانطور که در قرآن آمده است: «فاعتبروا یا اولی‌البصار»؛ یعنی از تجربه‌ها عبرت بگیرید.

این تجربه هنوز هم کاربرد دارد، چه در مواجهه با بحران‌های امروز، مانند جنگ ۱۲ روزه و چه در آثار فرهنگی که مدیریت رنج و تاب‌آوری را نشان می‌دهند، مانند فیلم «ویلایی‌ها». به طور کلی، این تجربه شامل پذیرش واقعیت، خودآگاهی، معنا دادن به رنج، الگوگیری و تبدیل درد به کنش اجتماعی است و می‌تواند چراغ راه در شرایط سخت باشد.

این تاب‌آوری برای خانواده‌های مدافعان حرم متفاوت است. از تفاوت‌های این تاب‌آوری بگویید. تاب‌آوری‌هایی که باید همزمان با ایفای نقش آگاهی بخشی و جهاد تبیین باشد.

تفاوت تاب‌آوری زنان در دوران دفاع از حرم با دوران دفاع مقدس را می‌توان از چند منظر بررسی کرد. در دوران دفاع مقدس، جامعه ایرانی جامعه‌ای جمع‌گرا، اهل کار گروهی و با سطح رفاهی

بعد از شهادت شهید حججی و انتشار تصاویر مظلومیت او، نگاه مردم تا حدی تغییر کرد اما دوباره با تغییر شرایط سوریه، هجمه‌ها بیشتر شد. بنابراین، تاب‌آوری در دوران دفاع از حرم سخت‌تر است، چون زنان باید هم بار جنگ و هم بار شبها و فشارهای اجتماعی را تحمل کنند.

این وضعیت شبیه شرایط جنگ نهروان است؛ جایی که مؤمنان باید هم شمشیر بزنند و هم خطابه بخوانند، هم بجنگند و هم بصیرت‌افزایی کنند. زنان مدافعان حرم امروز دقیقاً با همین دو میدان مواجهند.

“

روایت زنان از جنگ به اندازه روایت مردان اهمیت دارد، زیرا جنگ تجربه‌ای جمعی است و همه زنان و مردان تا کودکان و سالمندان در آن نقشی داشته‌اند. درعین حال، دشمنان نیز به نقش زنان توجه ویژه دارند و تلاش می‌کنند از ظرفیت آنان سوءاستفاده کنند؛ همان‌طور که در حوادث ۱۴۰۱ دیده شد. بنابراین بهره‌گیری از تجربه زنان در حوزه امنیت ملی و انتقال آن به نسل جوان ضروری است

“

نقش زنان در مبارزه از جنس ویژگی‌های زنانه و متفاوت از نقش مردان است. حضرت زینب(س) نمونه برجسته این الگوست: زنی که با حمایت از امام سجّاد(ع)، رسیدگی به کودکان و زنان کاروان و حفظ انسجام گروه، نقشی حیاتی ایفا کرد. مهم‌تر از همه، او با «شمشیر کلام» و جهاد تبیین، نبردی فرهنگی و اجتماعی را پیش برد و نشان داد، اثرگذاری زنانه از جنس قدرت کلام، مدیریت عاطفی و هدایت جمعی در بحران‌ها نقشی تعیین‌کننده دارد

پس به گفته شما این تغییر در نسل، سبک زندگی و رسانه‌ها، مدیریت بحران را سخت‌تر کرده است؟

بله. شکل مقاومت دیگر فقط نظامی نیست. امروز باید مقاومت بر پایه آگاهی، بصیرت و جهاد تبیین شکل بگیرد. نسل‌ها تغییر کرده‌اند، زندگی‌ها راحت‌تر شده و توقعات بالا رفته است، و همین مسائل کار را پیچیده‌تر می‌کند. چالش دیگر، فاصله گرفتن برخی مسئولان از ساده‌زیستی و روحیه انقلابی است. همین فاصله باعث شده، حتی بعضی خانواده‌های مذهبی هم خانواده‌های مدافع حرم را زیر سؤال ببرند و حرف‌هایی بزنند مثل: «شما جوان‌تان را در راه اسلام دادید اما جامعه فردگراتر، فاه‌زده‌تر و لذت‌گراتر است و حجم شبهاتی که از طریق ماهواره‌ها، فضای مجازی و گروه‌های معاند وارد می‌شود، بسیار گسترده‌تر شده است.

از سوی دیگر، مفهوم دفاع از حرم مفهومی دینی است، یعنی توحیه آن در چارچوب ادبیات مذهبی و انسانی‌های قرار می‌گیرد، دفاع از مظلوم و کمک به همسوء. اما دفاع مقدس، علاوه بر پشتوانه دینی، یک پشتوانه ملی و ناسیونالیستی نیز داشت. دفاع از مرزهای وطن. این مفهوم از این جهت قابل احترام است و برای مردم قابل‌فهم‌تر. اما دفاع از مردم کشوری دیگر آن هم کیلومترها دورتر به لحاظ روانی و اجتماعی

پیچیده‌تر است و همین مسئله کار زنان مدافعان حرم را سخت‌تر می‌کند. برای پاسخ به این سؤال، باید اول ببینیم تجربه زنان مقاوم بر چه پایه‌ای شکل گرفته است. ریشه این تجربه در «سبک زندگی ایرانی-اسلامی» است، سبکی که در آن صبر، استقامت، حمایت از خانواده و جامعه، استقامت در برابر مشکلات و اهمیت دادن به انجام تکلیف بیش از امکانات محور اصلی است. کسی که این مؤلفه‌ها را در زندگی‌اش دارد، امروز می‌تواند در بحران‌های اقتصادی، اجتماعی یا روانی از همین الگو بهره بگیرد.

مثلاً در بحران‌های اقتصادی مثل رکود تورمی، یکاری یا وابستگی به خام‌فروشی، همین سبک رفتاری زنان مقاوم می‌تواند راه‌گشا باشد. همان الگویی که در دوران جنگ تحمیلی هم دیده شد. در آن دوران، ویژگی مهم سبک زندگی جهادی این بود که به جوانان مسئولیت داده می‌شد، در یک مدل بومی تشویق می‌شد، خودقنایی در تولید اهمیت داشت و «علم و دین» کنار هم قرار می‌گرفت. نمونه روش‌ن ساخت موشک‌های نقطه‌زن است. چون بر اساس فقه اسلامی، حتی چندمتر خطا ممکن بود جان بی‌گناهان را بگیرد. این دقت و ایسن پیوند میان دانش و ارزش‌ها دارایی‌های شان کنار هم زمینه اشتغال جوانان را فراهم کند و بخشی از مشکلات اقتصادی را کم کنند.

در این سبک زندگی، ایثار اصل مهمی است. هدف، جمع کردن ثروت برای خود نیست، کمک به دیگران ارزش دارد. همانطور که روزی دفاع از کشور یک عمل ایثار گرانه بود، امروز هم زنان می‌توانند با ایجاد کسب‌وکارهای کوچک یا مشارکت مالی جمعی مثلاً گذاشتن طلا و دارایی‌های شان کنار هم زمینه اشتغال جوانان را فراهم کنند و بخشی از مشکلات اقتصادی را کم کنند.

البته ایسن مؤلفه‌ها باید به روز شوند. همانطور که در دوران جنگ، تجربه‌ها با نوآوری و ابتکا به توان داخلی شکسته شد. نمونه‌اش شهید منصور ستاری که با شناسایی جوانان توانمند، صنایع هوایی را احیا کرد و نشان داد، در سخت‌ترین شرایط هم می‌توان فرصت ساخت، همین الگو در بحران‌های اجتماعی هم قابل استفاده است.

در حقیقت «جهاد» از ریشه «جهد» یعنی تلاش زیاد می‌آید. این تلاش همراه با امید و پشتکار چه در اقتصاد و چه در اجتماع همان چیزی است که از دل تجربه زنان مقاوم بیرون می‌آید و می‌تواند راهی مؤثر برای عبور از بحران‌های امروز جامعه باشد.

آیا نقش واقعی زنان در دفاع مقدس و عرصه‌های امنیتی دیده شده و می‌شود؟ آیا رسانه‌ها توانسته‌اند این بخش مهم از تاریخ را بهتر و کامل‌تر نشان دهند؟

مدت‌ها نقش زنان در تحلیل‌های نظامی و امنیتی نادیده گرفته شده بود، اما به مرور